

Journal of Islamic Law Research

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی

Updating Damages Incurred by the Buyer of a Non-Owned Object of Sale from the Time of Final Judgment to Enforcement in Iranian Law

Authors: Parisa Naseri | Nasrollah Jafari Khosroabadi

Stable URL: <https://doi.org/10.30497/law.2025.247784.3715>

به روزرسانی غرامات وارده به خریدار مبيع مستحق للغیر درآمده،
از زمان صدور رأی قطعی تا اجرای حکم علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نویسندگان: پریسا ناصری | نصراله جعفری خسروآبادی

پیوند دائمی: <https://doi.org/10.30497/law.2025.247784.3715> رمال جامع علوم انسانی



Copyright 2026 The Author(s).

Published by *Imam Sadiq University*, Tehran, Iran.

This work is fully Open Access under the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) license, allowing non-commercial use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and not modified. *Islamic Law Research* strictly follows the ethical guidelines of the Committee on Publication Ethics (COPE), which all readers, authors, reviewers, and editors are expected to observe and uphold.

Updating Damages Incurred by the Buyer of a Non-Owned Object of Sale from the Time of Final Judgment to Enforcement in Iranian Law

Parisa Naseri • PhD Student in Private Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran.
parisa.naseri20199@gmail.com

Nasrollah Jafari Khosroabadi • Associate Professor, Department of Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Meybod University, Meybod, Iran. (Corresponding Author)
nasrjafari@meybod.ac.ir

Abstract

Context & Objective: In Iranian legal practice, when a sale is invalidated due to the object of sale not belonging to the seller, the buyer is legally entitled to recover the paid price and receive compensation for the diminished value of the currency, based on item-specific inflation. This right has been affirmed by Uniform Judicial Decisions Nos. 733 and 811 of the General Assembly of the Supreme Court of Iran, which are binding across all courts. Nonetheless, a recurring legal issue arises when there is a significant delay between the issuance of a final judgment and the enforcement of the ruling. Such delays can result in further economic loss for the buyer, particularly in unauthorized transactions [*fuḍūlī*]. The legal principle of *res judicata* restricts revisiting judicial findings post-judgment, yet practical consequences of delayed enforcement remain unresolved. This study aims to address the research question: How can Iranian law ensure full compensation to the buyer when a final judgment is delayed in its enforcement?

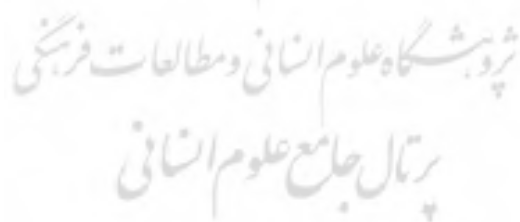
Method & Approach: This research employs a doctrinal legal methodology, relying on comprehensive analysis of statutory law, authoritative judicial precedents, and scholarly interpretations within the Iranian legal system. The study particularly examines the interpretive function of item-specific versus general inflation indices in judicial remedies and investigates how these concepts can be applied in sequential stages—before and after judgment issuance—to close the compensation gap in delayed enforcement scenarios.



Findings: The study finds that while item-specific inflation is the appropriate measure for calculating loss in purchasing power up to the date of final judgment, it becomes inadequate once a ruling has been issued. For the period following the judgment until its enforcement, using the general inflation index released by the Central Bank of Iran emerges as a legally and practically viable method to ensure fair compensation. This adjustment not only upholds the economic interests of the buyer but also provides clarity and consistency for enforcement authorities, mitigating the ambiguity often associated with post-judgment compensation enforcement.

Conclusion: To maintain the effectiveness and finality of judicial rulings while safeguarding the buyer's financial interests, Iranian courts should adopt a dual-inflation approach: apply item-specific inflation for pre-judgment losses and general inflation for the post-judgment enforcement delay. This model balances doctrinal consistency with practical fairness, enhancing both the legitimacy and enforceability of court decisions in cases involving unauthorized sales.

Keywords: Specific Inflation, General Inflation, Unauthorized Sale, Compensation for Damages, Enforcement of Judgments.



به‌روزرسانی غرامات وارده به خریدارِ مبیع مستحق‌الغیر در آمده، از زمان صدور رأی قطعی تا اجرای حکم

پریسا ناصری • دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

parisa.naseri20199@gmail.com

نصراله جعفری خسروآبادی • دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

nasrjafari@meybod.ac.ir

(نویسنده مسئول)

چکیده

با مستحق‌الغیر درآمدن مورد معامله و بطلان بیع، بنا بر آراء وحدت رویه شماره ۷۳۳ و ۸۱۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور، خریدار حق استرداد ثمن پرداختی و غرامات ناشی از کاهش ارزش ثمن بر اساس تورم موضوعی را خواهد داشت. با این همه، در مواردی با طولانی شدن فاصله زمانی صدور رأی قطعی تا اجرای دادنامه، غرامات خریدار به‌صورت کامل جبران نمی‌شود. از سویی بعد از صدور رأی دادگاه، اعتبار امر مختومه عدول از امر احراز شده را روا نمی‌داند و نیز رأی صادره می‌بایست اختلاف طرفین را برای همیشه خاتمه دهد؛ اما اجرای دیر هنگام آن، باعث ورود زیان‌های دیگری نیز به خریدار معامله فضولی می‌شود، به‌گونه‌ای که استرداد ثمن به‌تنهایی تکافوی زیان‌های وارده را نمی‌کند. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، با معیار قرار دادن تورم موضوعی برای محاسبه غرامت خریدار تا زمان صدور رأی، و تورم نوعی برای بازه صدور تا اجرای آن، سعی در اصلاح خلأ پیش‌گفته داشته و به این برآیند رسیده است که برای جبران قدرت خرید خریدار، تورم نوعی یا همان شاخص تورم بانک مرکزی در مدت صدور تا اجرای حکم ملاک عمل قرار گیرد. گفتنی است که در این صورت، دادورزان اجرای احکام با دادنامه‌های غیردقیق مواجه نخواهند بود و بر قطعیت آراء محاکم افزوده خواهد شد.

واژگان کلیدی: تورم موضوعی، تورم نوعی، معامله فضولی، جبران خسارت، اجرای احکام.



مقدمه

بنا بر رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور با کشف فساد معامله در پی مستحق‌الغیر در آمدن مبیع و رجوع مالک به متصرف مال، کاهش ارزش ثمن به منزله زیان قابل مطالبه مورد پذیرش قرار گرفت و در نهایت، در رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، نرخ روز اموالی که از نظر نوع و اوصاف، مشابه همان مبیع هستند، معیار محاسبه زیان کاهش ارزش ثمن اعلام شد. حکم مقرر در رأی وحدت رویه جهت تعیین حدود جبران خسارات ناشی از بطلان معامله به نوبه خود قابل ستایش است، لیکن هنوز مشکلاتی در عمل و تفسیر آن مشاهده می‌شود. از جمله این موارد، امکان یا عدم امکان مطالبه افزایش قیمت مبیع از زمان صدور رأی تا اجرای کامل دادنامه است. گفتنی است برخی دادنامه‌ها بر آورد میزان خسارات قابل جبران را بدون مشخص کردن مبلغ آن یا دست‌کم ارائه معیار واضحی برای آن، به‌طور کلی، به مرحله اجرا وامی‌نهند که قابل اجرا نبودن موضوع حکم، برآیند آشکار این عمل است، لیکن در رابطه با دادنامه‌هایی که میزان محکوم‌به بر اساس ارجاع امر به کارشناسی در روند دادرسی تعیین می‌شود و برای جبران غرامت پس از آن، ملاکی تعیین نمی‌شود، مسئله از ابهام بیشتری برخوردار است.

پیشینه پژوهش: گفتنی است با وجود پژوهش‌نگارندگان، تاکنون تحقیقی در این باره یافت نشد و نوشته‌هایی که در برخی موارد هم‌داستان با نویسندگان این مقاله بوده‌اند، به بررسی تحلیلی مسئله و مذاقه در پیامدهای مترتب بر آن نپرداخته‌اند. برای مثال، مطابق دیدگاه دکتر کاتوزیان در جلد اول مسئولیت مدنی، اگر مبلغ خسارت به‌طور قطعی معین شده باشد، به جهت شمول اعتبار امر مختوم، تجدیدنظر در حکم صادره امکان ندارد، اما درباره بطلان بیع و رخداد وضعیتی مانند موضوع مورد بررسی در این مقاله، اشاره‌ای نداشته‌اند. همچنین، نگارندگان (صادقیان و همکاران) مقاله «تحلیل انتقادی مبانی رأی وحدت رویه ۸۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور»، یکی از موارد عدم تحقق انصاف در فروض عملی اجرای رأی وحدت رویه را «بی‌توجهی به نوسان قیمتی مبیع از فاصله زمانی تقدیم دادخواست تا اجرای حکم» دانسته و با وجود توضیح این مسئله، به‌طور واضح اشاره‌ای تخصصی به موضوع این مقاله نداشته و راهکاری برای آن ارائه نداده‌اند.

در این مقاله، این سؤال اساسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که غرامات خریدار از تاریخ صدور دادنامه تا زمان وصول، چگونه و بر اساس چه ملاکی باید مشخص شود؟ به عبارت بهتر،

در دعاوی‌ای که خواسته، مطالبه قیمت روز مبیع به جهت مستحق للغیر درآمدن آن است، با توجه به اینکه از تاریخ صدور حکم قطعی تا زمان اجرای آن، شاهد نوسان و افزایش قیمت مبیع موضوع حکم هستیم، ممکن است بخشی از خسارت خریدار بلاجبران باقی بماند. در پژوهش حاضر راهکارهای متعددی برای جبران این غرامات ارائه و نقد می‌شود و در پایان، راهحلی کارآمد که با موازین حقوقی سازگار باشد، پیشنهاد و تحلیل می‌شود. فرضیه پذیرفته شده در این نوشتار، لحاظ معیار تورم نوعی یا همان شاخص بانک مرکزی در نگارش دادنامه برای جبران خسارات بازه زمانی یادشده است که مورد مطالعه و واکاوی قرار می‌گیرد. از این رو در این مقاله، ابتدا چند راهکار قابل ارائه بررسی و تحلیل می‌شود که با توجه به پیدایی ناصحیح بودن آن‌ها، در پایان با تکیه بر مبنای نظری مسئله و نیز استمداد از قواعد تفسیر قانون، در قالب یک نظریه عمومی، تفسیری قاعده‌مند ارائه خواهد شد. در این پژوهش، روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و روش پردازش اطلاعات، توصیفی-تحلیلی است.

۱. راهکار اول: به روزرسانی غرامات خریدار در مرحله اجرا

بنا به عنصر قاطع دعوی بودن^۱ و نیز با لحاظ اینکه واگذاری تعیین میزان محکوم به به مرحله اجرای حکم سبب اطاله مرحله اجرا می‌شود، یکی از راهکارهای افزایش کارآمدی فرایند صدور آرای قضایی، همانا «کاستن از زمان اجرای حکم» است (غمامی، ۱۳۹۸، ص. ۴۸). از این رو باید میزان خسارت موضوع رأی وحدت رویه ۸۱۱، در رأی قاضی معین و واضح باشد. همچنین، با توجه به مفهوم «عین محکوم به» یعنی مالی که دادگاه با جزئیات در حکم صادره، از آن محکوم له دانسته است و در مرحله اجرا از محکوم علیه گرفته و به محکوم له داده می‌شود، ارزیابی میزان محکوم به در مرحله اجرا صحیح نیست. پس دقت نظر در ممنوعیت صدور حکم کلی و الزام به تعیین تکلیف به صورت موردی و خاص به عنوان یکی از ویژگی‌های رأی متقن از سوی قضات لازم است (باقری و صداقتی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۰). اضافه می‌شود که دستورالعمل ارزیابی اتقان آرای قضایی مصوب ۱۳۹۹، یکی از شاخص‌های رأی متقن را «شفافیت، عدم وجود ابهام و

۱. رأی قاطع است که با صدور آن، تکلیف دعوی مطروحه در مرجعی که به آن رسیدگی می‌کند، تعیین و پرونده از آن مرجع خارج می‌شود (شمس، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۲۰۳).

اجمال از جمله در تعیین مجازات قابل اجرا و تعیین محکوم به در رد عین، مثل یا قیمت و نیز نوع و میزان مسئولیت هریک از محکوم علیهم» بر شمرده است (ماده ۳).

گفتنی است در خصوص به روزرسانی غرامات خریدار از زمان صدور رأی تا اجرای آن، در استعلامی از اداره کل حقوقی قوه قضائیه این گونه سوال شده است^۱ که «در دعاوی ای که خواسته، مطالبه قیمت روز مبیع به جهت مستحق لغیر در آمدن آن است، با توجه به اینکه از تاریخ صدور حکم تا زمان اجرای آن، شاهد نوسان و افزایش قیمت مبیع موضوع حکم هستیم، آیا می توان در دادنامه ضمن صدور حکم به پرداخت قیمت روز مبیع، تصریح کرد که برآورد قیمت روز در مرحله اجرای حکم توسط قاضی اجرای احکام و با تعیین کارشناس مشخص خواهد شد؟».

در پاسخ آمده است که «در آرای وحدت رویه شماره ۷۳۳ و ۸۱۱، خریدار جاهل به مستحق لغیر بودن مبیع (فساد بیع)، مستحق دریافت غرامت ناشی از کاهش ارزش ثمن پرداختی است. دادگاه میزان غرامت را مطابق عمومات ناظر بر میزان خسارت در دیون پولی... با ارجاع امر به کارشناس و بر اساس میزان افزایش قیمت اموالی که از نظر نوع و اوصاف، مشابه همان مبیع هستند، تعیین و در رأی خود به پرداخت آن حکم می کند و نمی تواند بدون تعیین غرامت، تعیین آن را به زمان وصول موکول کند»^۲؛ البته متأسفانه در آرای متعددی به گونه ای دیگر حکم داده شده است. برای مثال، به موجب دادنامه ای قطعی^۳، در دعوی تخلیه عین مستأجره، دادگاه رأی به تخلیه در قبال پرداخت سرقفلی به نرخ روز صادر کرده و تعیین بهای سرقفلی را به نظر کارشناس در موقع اجرای حکم موکول کرده است.

۱. شماره و تاریخ نظریه: شماره ۷/۱۴۰۱/۱۰۵۴ مورخ ۱۴۰۲/۲/۲۰.

۲. در رأی یکی از شعب دیوان عالی کشور، به لزوم قابل اجرا بودن حکم به روشنی تأکید شده و در پایان رأی، چون رأی دادگاه قابل اجرا نبوده است، آن را نقض کرده و دستور رسیدگی مجدد داده است. در بخشی از رأی آمده است که ۱. باید در مرحله اجرا قابلیت اجرای حکم وجود داشته باشد. ۲. با دعوت از طرفین در رابطه با میزان دقیق ثمن قراردادی و چگونگی پرداخت باقی مانده آن به نحوی که دادگاه را با مشکلات اجرایی مواجه نکند، توضیحات دقیق از آنان اخذ شود (دادنامه شماره ۱۴۰۰۶۳۹۰۰۰۹۵۸۳۱۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور).

۳. شماره و تاریخ دادنامه: شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۰۱۰۱۵۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲.

در تأیید آنچه آمد، ماده ۳ قانون اجرای احکام مدنی مقرر داشته است^۱ «حکمی که موضوع آن معین نیست، قابل اجرا نمی‌باشد» و حکمی که قابل اجرا نباشد، اثر اصلی را که همان فصل خصومت است، ندارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص. ۳۱۶). به عبارت دیگر، مرحله اجرا از دید محکوم^۲، به کشته‌ای می‌ماند که پس از کاشت (اقامه دعوی) و داشت (پیگیری‌های قانونی تا صدور حکم لازم‌الاجرا)، نوبت برداشت محصول آن رسیده و با اجرا نشدن حکم، این کشته بر باد فنا رفته است (شمس، ۱۴۰۱ الف، ج ۱، ص. ۱۷). ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی (تکلیف دادگاه در خصوص تعیین تکلیف هر دعوی به صورت خاص) و ماده ۲۹۹ این قانون (قاطع دعوی بودن حکم به صورت جزئی یا کلی) نیز پشتیبان معیار قابلیت اجرا داشتن حکم هستند. تردیدی نیست که عدم تعیین محکوم^۳ به گونه‌ای روشن و کامل^۴، یکی از مصادیق معین نبودن موضوع حکم است^۵.

شایان ذکر است بر اساس یک نظریه مشورتی، اگر دادگاه در حکم صادره، مبلغ حق الوکاله وکیل را مقطوعاً تعیین نکرده باشد، واحد اجرای احکام مدنی بنا بر ماده ۲۷، درخواست رفع ابهام از محکوم^۶ به و تعیین مبلغ مقطوع آن را از دادگاه صادرکننده حکم می‌کند و نمی‌تواند رأساً آن را به کارشناسی ارجاع و محاسبه کند^۷. با توجه به اصل لازم‌الاجرا بودن احکام قطعی، بدین معنی که مقام اجرایی نمی‌تواند از اجرای حکم قطعی یا قطعی‌شده سر باز زند و در همین حال که امکان اجرای رأی به سبب معین نبودن موضوع آن وجود ندارد، تکلیف یادشده در این نظریه مشورتی راهکاری ضروری و مناسب است.

ناگفته نماند که دادگاه صادرکننده حکم قطعی در صورتی می‌تواند حکم دارای موضوع نامعین را وصف اجرایی بدهد که نه تنها خواهان در دادخواست خود یا حسب ترتیب مقرر در ماده ۹۵

۱. قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، مستند قانونی اجرا در واحد اجرای احکام مدنی است که از ابتدای درخواست اجرا تا فرجام عملیات اجرایی باید رعایت شود.

۲. نردبان فهم مسائل حقوقی، ادراک صحیح اصطلاحات آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۶).

۳. در این باره رک به: نشست قضایی برگزارشده در استان مازندران مورخ ۱۳۹۷/۱/۱۶ با موضوع «مبدأ محاسبه مهلت قانونی منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری‌ها».

۴. شماره و تاریخ نظریه: شماره ۷/۸۸/۳۵۹۹ مورخ ۱۳۸۸/۶/۱۴.

قانون آیین دادرسی مدنی، موضوع دعوی را به‌روشنی معین کرده، بلکه دادگاه نیز رسیدگی خود را حول محور همین موضوع معین به انجام رسانده و فقط منطوق حکم دادگاه موضوع حکم را به‌طور مشخص بیان نکرده باشد (نهرینی، ۱۴۰۱، ص. ۹۹). شایان توجه است که دادرس در نگارش تصمیم باید از «منطوق ضمنی» نیز خودداری ورزد (موسوی، ۱۴۰۲، ص. ۴۳۹).

در رابطه با موضوع تحقیق ممکن است بیان شود که اعتبار نظریه کارشناسی جهت ارزیابی غرامت شش ماه است و در صورت تأخیر در وصول محکوم‌به، باید مجدداً ارزیابی و به قیمت روز ملک، غرامات خریدار را وصول شود. در پاسخ به این اشکال باید گفت مقررات تبصره ذیل ماده ۱۹ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱، همان‌گونه که در متن آن آمده، در مواردی قابل اعمال است که معامله مستلزم تعیین قیمت عادلانه روز از طرف کارشناس رسمی است نه در همه مواردی که کارشناسان اظهار نظر می‌کنند. در رابطه با اجرای رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ نیز که به سبب مستحق‌الغیر درآمدن مبیع و جهل خریدار به وجود فساد، دادگاه میزان غرامت وارد بر خریدار را با ارجاع امر به کارشناس و بر اساس میزان افزایش قیمت (تورم) اموالی که از نظر نوع و اوصاف مشابه همان مبیع هستند، تعیین کرده است، اگر به سبب طولانی شدن روند اجرای حکم، غرامت موضوع نظریه کارشناسی به میزان قابل توجهی افزایش یابد، این امر به حکم مقرر در تبصره ماده ۱۹ قانون یادشده ارتباطی ندارد^۱ و از آن خروج موضوعی دارد. بنابراین، تبصره مزبور صرفاً در حدود موضوع آن قابلیت استناد دارد و اگر موضوع مشمول این تبصره قرار گیرد، با سپری شدن مدت شش ماه، نظر کارشناس قانوناً اعتبار ندارد و تجدید کارشناسی تابع عمومات مربوط به تعیین کارشناس بدوی است؛ زیرا مانند وضعیتی است که از قبل کارشناسی انجام نشده است.

همچنین، موافق نظر هیئت عالی در نشست قضایی برگزار شده در استان مازندران، تبصره ماده ذکر شده قابل تسری به احکام قضایی نیست و نیز قابلیت اجرایی در مرحله اجرای احکام مدنی

۱. نظریه مشورتی شماره ۴۳۳/۱/۱۴۰۱ مورخ ۷/۱۴۰۱/۶/۱۴۰۱.

ندارد.^۱ بنا بر مطالب یادشده، به روزرسانی خسارت خریدار بر اساس ارجاع امر به کارشناس در مرحله اجرا موجه نیست و باید به دنبال راهکار دیگری بود.

۲. راهکار دوم: قابلیت جبران کامل خسارت از طریق طرح دعوی‌ای نو

همان‌گونه که گذشت، در صورت افزایش قیمت مبیع از زمان صدور حکم لغایت وصول آن در اجرای احکام، بخشی از خسارت خریدار بلاجبران باقی می‌ماند. از طرفی، موضوع از اعتبار امر مختومه نیز برخوردار است و طرح دادخواست مجدد جهت مطالبه افزایش قیمت مجدد مبیع مستحق‌الغیر در آمده به نظر موجه نیست. به عبارت دیگر، اگر مبلغ خسارت به طور قطعی معین شده باشد، دادگاه دیگر نمی‌تواند آن را به استناد افزایش قیمت‌ها یا تنزل ارزش پول تغییر دهد. حکم در حدود مفاد خود از اعتبار امر مختوم بهره‌مند است و تجدیدنظر در آن امکان ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۹، ج ۱، ص. ۵۵۱).

نظریه مشورتی ۱۴۷۹/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۱/۱/۲۰ در تأیید این دیدگاه مقرر داشته است، مبلغی که در زمان صدور حکم تخلیه به عنوان حق کسب یا پیشه یا تجارت تعیین می‌شود، به علت قطعیت رأی صادره با تأخیر در پرداخت قابل تغییر نخواهد بود.

رأی دادگاه، مهم‌ترین محصول دادگستری، ارزشمندترین سند و کامل‌ترین دلیل در بازتاب حقیقت است و آن زمان که کوشش دادگستری در فصل خصومت به صورت حکم ارائه شود، امکان دادخواهی دوباره نسبت به همان موضوع وجود نخواهد داشت. دعوی طرح‌شده باید فرجام و سرانجامی داشته باشد و دادخواهی مجدد نسبت به متعلق رأی، سبب بر هم خوردن نظم ایجاد می‌شود.

با تحقق وحدت اصحاب دعوی، موضوع و اتحاد سبب قاعده، اعتبار امر مختوم که از مصادیق نظم عمومی است، حاصل می‌شود. در واقع، به هر وسیله که انطباق یا تناقض دو حکم احراز شود، ایراد مختوم بودن امر قابل قبول است (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۶). برای طرح دعوی مطالبه

۱. تاریخ برگزاری: ۱۳۹۷/۸/۲۴. چکیده یک دادنامه قطعی در این باره قابل اشاره است که «اعتبار نظریه کارشناسی به مدت شش ماه، مربوط به تعیین قیمت مربوط به انجام معاملات است. بنابراین، جلب نظر کارشناس برای تعیین حق کسب، پیشه و تجارت مقید به شش ماه نیست» (شماره و تاریخ دادنامه: شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۰۷۰۰۸۶۳ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۶).

افزایش قیمت مبیع مستحق‌لغیر درآمده از تاریخ صدور تا اجرای حکم، وجود شرط‌های اول و سوم محرز است. درعین‌حال، نکته قابل تأمل، شرط دوم یعنی «اتحاد موضوع» است. آنچه نسبت به آن حکم قطعی صادر شده، جبران قدرت خرید خریدار تا صدور حکم است و از تاریخ یادشده تا اجرای حکم اظهارنظر نشده است.^۱ بنابراین، خواسته دیگری متفاوت از خواسته دعوی سابق به‌عنوان موضوع نزاع مطرح شده که از راهکارهای گریز از قاعده اعتبار امر مختومه است. دادخواست جدیدی برای تعیین مابه‌التفاوت قیمت زمان صدور حکم تا حال حاضر تقدیم دادگاه می‌شود. موضوع دادخواست جدید، خساراتی است که بعد از صدور حکم به خریدار وارد شده و این غرامات از پیش مورد رسیدگی و صدور حکم قرار نگرفته است؛ زیرا اگر موضوع دعوی سابق حقوق مربوط به دوره زمانی معینی بوده و حقوق مورد مطالبه در دعوی فعلی، حقوق مربوط به دوره زمانی دیگری باشد، حتی به استناد قرارداد واحد، اتحاد موضوع دو دعوی متحقق نیست (شمس، ۱۴۰۱، ب، ج ۱، ص. ۴۵۰). از سوی دیگر، تنها باید با تأخیر در اجرای حکم مواجه بود نه دگرگونی در کاربست عدالت؛ زیرا هدف حقوق، ایجاد نظم و استقرار عدالت است و هنگامی می‌توان از ترقی آن سخن گفت که به این هدف نزدیک‌تر شده باشد (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۱، ص. ۴۹۶).

درعین‌حال، این راهکار به سبب مطرح شدن دعاوی متعدد در رابطه با موضوع غرامات و پایان نیافتن آن تا مدتی نامعلوم، بدون تردید راهکار مناسبی برای مسئله نخواهد بود و باید به دنبال راهکار دیگری بود که هم از طرح دعاوی متعدد جلوگیری و هم حقوق زیان‌دیده را به‌نحو کامل جبران کند.

۳. راهکار سوم: تعیین ملاک تورم نوعی برای جبران خسارات بعد از صدور رأی تا اجرای دادنامه و تحلیل نگارندگان

قبلاً باید دانست در موارد سکوت، اجمال یا نارسایی قانون، در وهله اول، قانون‌گذار برای آن

۱. به‌موجب یک دادنامه قطعی، «... اگر در دعوی مقدم، دادگاه به موضوع خواسته دعوی فعلی رسیدگی نکرده باشد و نفیاً یا اثباتاً رأی صادر نشده باشد، اعتبار امر مختومه وجود ندارد» (شماره و تاریخ دادنامه قطعی: شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۸۰۰۶۰۲ مورخ ۱۳۹۱/۶/۱۴).

چاره‌ای می‌اندیشد. در غیر این صورت درخور است که رویه قضایی به‌عنوان یکی از منابع حقوقی، راهکار مناسب و واحدی گزیند؛ زیرا اگر قرار بود قاضی همواره برابر نص قانون حکم دهد، دیگر استقلال رویه قضایی به‌عنوان منبع حقوق معنا نداشت (ریاضی، ۱۴۰۰، ص. ۴۱۱). بنابراین، دادخواه باید دادخواهی را در عوض تکیه بر طالع و اقبال خویش، به منصوصات قانونی یا رویه محرز قضایی بسپرد. در همین راستا، دستگاه قضایی برای تحقق هرچه بیشتر شاخص کارایی، متون ساکت و بی‌روح قانون را چهره‌ای زنده و واقعی می‌بخشد و از ایستایی حقوق می‌کاهد. در واقع، برای پویایی و تحول در سیستم حقوقی، نباید فقط به «قدم قانون‌گذار» دل بست، بلکه باید به «قلم قضات» نیز چشم دوخت (عابدیان و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۸).

باور به قابل مطالبه نبودن افزایش قیمت مورد معامله و قابل مطالبه بودن خسارت تأخیر تأدیه محکوم‌به با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه اعلامی از سوی مراجع رسمی، این خواسته را محقق می‌کند و سبب هم‌گرایی قضایی در رویه قضایی می‌شود. همین‌طور تفسیر حقوقی قاعده‌مندی است که پرسش کلیدی این تحقیق را سامان می‌دهد.

در ارتباط با این نگرش، در آغاز، بررسی خسارت بر خسارت^۱ تلقی نشدن خسارت تأخیر تأدیه غرامات خریدار بایسته است. همان‌طور که می‌دانیم، ماده ۷۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مقرر کرده بود که «خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست». با تصویب قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، در تبصره ۲ ماده ۵۱۵، قانون‌گذار صرفاً خسارت ناشی از عدم‌النفع را غیرقابل مطالبه دانست و با وجود وضع ماده ۵۲۲ و پیش‌بینی مشروعیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه، حکمی نظیر ماده ۷۱۳ قانون سابق وضع نشد.

درعین‌حال، امکان مطالبه این نوع خسارت همواره مورد اختلاف دکتربین حقوقی بوده و رویه قضایی نیز به‌عنوان متعهد اصلی تشخیص میزان خسارات قابل جبران در این باره به‌نحو یکسانی عمل نکرده است. برخی نویسندگان به جهت سکوت قانون جدید، قائل به پرداخت این نوع خسارات هستند؛ هرچند رویه عملی محاکم را گویای غیرقابل مطالبه بودن آن می‌دانند (شمس،

۱. محکومیت قبلی بابت خسارت بوده است.

۱۴۰۱ الف، ج ۲، ص. ۷۲۱).

در این خصوص به نظر می‌رسد هرچند غرامات خریدار از تاریخ صدور تا اجرای حکم را «خسارات» عنوان می‌دهیم، در واقع هدف و مطلوب ما جبران قدرت خرید خریدار تا هنگام اجرای حکم است؛ به گونه‌ای که بتواند مثل مورد معامله را خریداری کند.^۱ از این رو موضوع این نوشتار از بحث خسارت از خسارت موضوعاً خارج است، اما چگونه می‌توان این خسارت را با ملاکی دقیق و روشن تعیین کرد تا کلیه خسارات خریدار جبران شود و اجرای احکام و محکوم‌له نیز با محکوم‌به نامشخص و غیرمعلوم مواجه نباشد؟ آنچه وافی به مقصود و تأمین‌کننده دادرسی عادلانه است، جدا کردن ملاک‌هایی است که بتواند ضمن رعایت اصول و قواعد دادرسی، همه خسارات خریدار را جبران کند و نیز مانع اقامه پرشمار دعاوی در دادگستری شود. در این رابطه، تفکیک ملاک ارزیابی خسارات به دو مرحله قبل و بعد از صدور رأی قطعی، شایسته و البته بایسته است. در ادامه، به تبیین و تحلیل راهکار پیشنهادی خود می‌پردازیم؛ منتها با توجه به اراده‌گرایی حقوقی که وفق آن باید به توافقات و شروط مربوط پایبند بود، این دیدگاه نباید سبب نادیده گرفتن پیش‌بینی‌های طرفین قرارداد و اعتماد مشروع آن‌ها شود.

در رابطه با میزان غرامات خریدار بیع فضولی برای بازه زمانی قبل از صدور رأی قطعی، بدون تردید صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ تحولی مهم جهت حل یکی از معضلات دعاوی حقوقی در رویه قضایی کشور به شمار می‌آید. در واقع، مهم‌ترین مؤلفه رأی وحدت رویه ۸۱۱ در مقایسه با رأی وحدت رویه ۷۳۳ و مواد قانون مدنی، در نظر گرفتن ملاک تورم موضوعی به جای تورم نوعی است تا بر این اساس، از خریدار جاهل در بیع فاسد به نحو بهتری جبران خسارت شود. در تورم نوعی یا همان شاخص اعلامی از سوی بانک مرکزی، کاهش قدرت خرید ریال بر مبنای

۱. برخی از شعب از جمله شعبه ۳۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در حکمی به شماره ۹۰۰۹۹۷۰۲۲۹۳۰۰۸۸۴، حکم به محکومیت خوانده به پرداخت وجه التزام و خسارت تأخیر تأدیه آن داده است.

۲. قابل ذکر است، چنانچه فاصله زمانی صدور رأی قطعی تا اجرای آن طولانی شود، فهم عرفی استرداد ثمن و غرامات به میزان قیدشده در دادنامه قطعی را به‌تنهایی سبب جبران کامل خسارات خریدار بیع فضولی نمی‌دانند. باید توجه داشت، تشخیص مصداق خسارت امری موضوعی و مصداقی است و علی‌القاعده برای تشخیص آن باید به عرف رجوع کرد نه آنکه لزوماً در متن قوانین به دنبال آن گشت (میرشکاری و حسینی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳۵).

سبد کالایی این نهاد، نمی‌تواند همه خسارات خریدار را جبران کند؛ زیرا این تورم نوعی همیشگی به میزان تورم مبیع مورد مبادله طرفین نیست.

با این همه، پاره‌ای ابهامات در خصوص هدف رأی مبنی بر جبران قدرت خرید ثمن پرداختی خریدار به هنگام مواجهه با تأخیر طولانی اجرای حکم صادر شده باقی است. باری؛ با بطلان بیع، خریدار حق استرداد ثمن پرداختی بنا بر رأی وحدت رویه یادشده را دارد، اما چنانچه فاصله زمانی صدور رأی قطعی و به مرحله اجرا درآمدن آن طولانی شود، خریدار بیع فضولی متحمل زیان‌های دیگری نیز می‌شود؛ به گونه‌ای که استرداد ثمن به نحو پیشین به تنهایی نمی‌تواند رضایت وی را تأمین کند. در رابطه با بازه زمانی مورد اشاره برای جبران قدرت خرید خریدار، تورم نوعی^۱ معیاری است استوار که در ادامه شرح آن خواهد آمد.

تردیدی در این نکته نیست که خسارت تأخیر تأدیه تنها به دیون^۲ مستقر و قطعی که میزان آن معلوم و معین است، تعلق می‌گیرد. پس از قطعیت حکم صادره که فروشنده مکلف به استرداد ثمن خواهد شد، دین بر عهده‌اش مستقر و ذمه او در قبال آن مشغول می‌شود. از این رو خسارت تأخیر تأدیه به آن تعلق می‌گیرد. از سویی با توجه به اثر تورم در جبران خسارت در رابطه با بازه زمانی صدور رأی تا اجرای دادنامه، تعیین ملاک تورم نوعی و استفاده از شاخص بانک مرکزی برای جبران خسارات ناشی از تأخیر در پرداخت محکوم‌به، معیاری مناسب، قابل تأیید و پاسخ‌گوی نیازهای کنونی جامعه است. در واقع، این فرض مصداق روشن ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است که حکم خسارت تأخیر را در موردی که خواسته، دین و از نوع وجه رایج است،

۱. شناخت مفهوم عبارات «تورم نوعی» و «تورم موضوعی» خالی از لطف نیست. ملاک‌های تورمی برای جبران قدرت خرید خریدار به ملاک تورم نوعی و تورم موضوعی قابل تقسیم است. تورم نوعی همان شاخص بانک مرکزی است که بر اساس سبد کالا تعیین می‌شود و ممکن است مبیع مورد معامله یکی از اقلام این سبد کالایی تعیین تورم باشد. تورم موضوعی یعنی تورم و رشد قیمتی کالاهای مشابه مبیع. در واقع، مطلوب در به کارگیری تورم موضوعی، جبران قدرت خرید خریدار جهت اکتیاف کالای مشابه مبیع است (جعفری و ناصری، ۱۴۰۳، ص. ۲۰۴)؛ البته در مواردی که شرایط ویژه ملک، پرداخت قیمت روز همان مبیع را اقتضا دارد، باید بایع را مسئول تفاوت ثمن با قیمت روز خود مبیع دانست نه امثال آن (کریمی و جواهرکلام، ۱۳۹۹، ص. ۱۹).

۲. اصطلاح «دین» در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی شامل همه تعهدات پولی صرف نظر از منشأ آن اعم از اعمال حقوقی، وقایع حقوقی و حکم قانون است (محسنی و میرشکاری، ۱۳۹۴، ص. ۱۴۹).

معلوم ساخته است، اما احراز شرایط منعکس در ماده ۵۲۲ قانون یادشده ازجمله تمکن مدیون، مطالبه دائن و تغییر فاحش در شاخص لزومی ندارد.

بنا به مراتب یادشده، این زیان دیرکرد در پرداخت بر مبنای نرخ اعلامی از سوی بانک مرکزی یعنی نرخ که از سنجش سایر کالاها و نه بر اساس تغییر قیمت خود مبیع حاصل می‌شود، قابل محاسبه است و برای گریز از موانع جدی در جبران این نوع ویژه از زیان دیرکرد، به شرایطی مانند مطالبه و تمکن مقید نمی‌شود.^۱ پرواضح است این دیدگاه نه تنها ابزار مناسبی برای تقویم خسارات است، بلکه با معین کردن دقیق ضابطه، شرایط اجرای دادنامه برای اجرای احکام دادگستری را تسهیل و از بروز اختلافات جلوگیری می‌کند.

امکان دارد در انتقاد از نظر نگارندگان گفته شود با توجه به اینکه قواعد جبران خسارت باید به گونه‌ای تدارک شود که به بهترین شکل ممکن خسارت خریدار را جبران کند، برای محاسبه خسارت خریدار از زمان صدور حکم تا اجرای آن، چرا برخلاف رأی وحدت رویه و فلسفه موجود در آن، به نرخ تورم روی آورده‌اید و آیا با توجه به اینکه متأسفانه بانک مرکزی میزان تورم را کمتر از تورم واقعی اعلام می‌کند، این دیدگاه خسارت خریدار را به‌نحو کامل جبران می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش تعیین مبنا و جهت‌گیری رأی وحدت رویه ضروری است. در واقع، معیار صدور رأی وحدت رویه در جبران غرامات خریدار بر مبنای فرض عدم انعقاد معامله است یا عدم کشف فساد؟ آیا باید به گونه‌ای از خریدار جبران خسارت کنیم که گویا هیچ قراردادی منعقد نشده است و موقعیت وی را به قبل از انعقاد قرارداد برگرداند یا برعکس، به گونه‌ای که هیچ کشف فساد صورت نگرفته و هیچ قراردادی باطل نشده است؟ بر اساس اصول و قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی و احکام ضمان درک، جبران غرامات باید به گونه‌ای صورت گیرد که گویا هیچ قراردادی منعقد نشده، نه اینکه هیچ کشف فساد صورت نگرفته است. با توجه به اینکه خریدار ملکی خریداری کرده، اما بعد از مدتی مستحق‌الغیر بودن آن کشف شده است، خریدار باید مبیع موضوع معامله باطل را مسترد کند و ثمن پرداخت‌شده را دریافت کند، اما میزان

۱. در رابطه با اختیار وسیع دادگاه پیرامون برآورد مقدار زیان وارده، ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد که «دادگاه میزان زیان و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال قضیه تعیین خواهد کرد». لحاظ اصول حاکم بر دعاوی مدنی ازجمله عدم اختیار دادگاه برای افزایش خواسته در تفسیر این مقررہ مسلّم است.

وجهی که به خریدار مسترد می‌شود، به جهت روند غیرمتعارف و انکارناپذیر کاهش ارزش پول، توان و قدرت خرید مبیع مشابه مبیع مستحق‌الغیر درآمده را به او نمی‌دهد. لذا با صدور رأی وحدت رویه، قدرت خرید مشابه همان ثمنی که در روز انعقاد معامله در دست داشته است جهت اکتیاع کالای مشابه مبیع و نه سبد کالای بانک مرکزی به او بازمی‌گردد. درعین حال، خریدار نمی‌تواند انتظار داشته باشد منافعی که از عقد بر فرض صحت برای او حاصل می‌شد، به او اعطا شود؛ زیرا از یک عقد اساساً باطل، حقی برای کسی ایجاد نمی‌شود که انتظار جبران خسارت وارده به آن را داشته باشد. لذا جبران قدرت خرید خریدار باید به گونه‌ای باشد که گویا هیچ قراردادی منعقد نشده (برگرداندن وضعیت خریدار به روز ماقبل انعقاد قرارداد) نه اینکه خریدار را در موقعیتی قرار دهیم که گویا هیچ قراردادی باطل نشده است (جعفری و ناصری، ۱۴۰۳، ص. ۲۰۳). به نظر می‌رسد ملاک آنچه درباره مبنای رأی وحدت رویه ذکر شد، در رابطه با فرض موضوع این نوشتار نیز قابل اجراست. به عبارت دیگر، هدف ما، بازگرداندن قدرت خرید خریدار است و در این راستا، با توجه به اینکه با قرارداد باطلی مواجه شده‌ایم و این قرارداد باطل همه آثار قراردادهای صحیح را ندارد و در نظر گرفتن تورم نوعی برای جبران غرامات تا اجرای حکم، راهکار ثانویه برای جلوگیری از زیان زیان‌دیده از یک طرف و جلوگیری از طرح دعاوی متعدد دیگر از سوی دیگر است. به بیان دیگر، بر اساس رأی وحدت رویه ۸۱۱، مبنای محاسبه غرامت خریدار، تورم موضوعی است، اما این ملاک صرفاً در مرحله دادرسی (و نه در مرحله اجرا) مورد توجه قرار می‌گیرد و از زمان صدور رأی تا وصول حکم، این نمی‌تواند ملاک مناسبی باشد؛ زیرا از طرفی رأی دادگاه باید فصل خصومت کند و قابل اجرا باشد و از طرف دیگر، باید درصدد جبران کامل خسارت خریدار بود. بنابراین، مبنای محاسبه غرامات خریدار برای دوران دادرسی، برآورد کارشناس (یا همان تورم موضوعی) است و در رابطه با دوره زمانی پس از قطعی شدن حکم تا اجرای آن، ملاک روشن، تورم نوعی در نظر گرفته می‌شود که همان شاخص بانک مرکزی است. از این رو نیازی به دادرسی مجدد وجود ندارد و واحد اجرا با ملاک واحد و واضحی روبه‌روست.

در انتقاد از دیدگاه برگزیده شده در این مقاله همچنین، ممکن است گفته شود که خریدار (خواهان) در دادرسی واحد می‌خواهد به تمام حقوق خود برسد و نظر منتخب در این نوشتار

باعث نقض این قاعده بنیادین می‌شود؛ زیرا خواهان در دادخواست، خسارت خود را مطالبه کرده است و دادگستری باید در محدوده خواسته یک بار به این موضوع رسیدگی و حکم صادر کند، اما هیچ خواهانی در دادخواست، افزون بر مطالبه خسارت ناشی از مستحق‌الغیر بودن مبیع، خسارت تأخیر تأدیه را مطالبه نمی‌کند. بنابراین، این دیدگاه موجب تحمیل طرح دادخواست جدید به خریدار و صرف زمان و هزینه فراوان برای خواهان و نظام حقوقی و اطاله دادرسی می‌شود. در پاسخ به این سؤال باید گفت از لحاظ اصول حقوقی و قواعد دادرسی، خواهان می‌تواند در دادخواست تقدیمی سه خواسته مطالبه ثمن، غرامات (مابه‌التفاوت ثمن و نرخ روز) و خسارت تأخیر تأدیه مبلغ غرامت تعیین‌شده در دادرسی بر اساس تورم نوعی از تاریخ صدور تا اجرای حکم را مطرح کند و دادگاه بدوی نیز به خواسته‌های اول و دوم و نیز سوم حکم دهد با این قید که در صورت طولانی شدن صدور تا اجرای حکم، خواسته سوم نیز قابل مطالبه است.

ناگفته پیداست که عدم پیگیری عملیات اجرایی از سوی محکوم‌له با استناد به قاعده اقدام جزو آن نخواهد بود؛ زیرا با عدم پیگیری محکوم‌له، «استناد» به شخص مسبب مرتفع می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۲). به دلالت نظریه شماره ۷/۹۲/۲۳۰۴ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۵ اداره حقوقی قوه قضائیه، خسارت تأخیر تأدیه نسبت به محکوم‌به مالی تا زمان اجرای حکم قابل محاسبه است مگر اینکه در این فاصله، محکوم‌له نسبت به اجرای دادنامه تعلل کرده باشد که در این فاصله، محاسبه خسارت تأخیر تأدیه مجوز قانونی ندارد. همچنین، پرواضح است که خواهان باید در دادخواست تقدیمی، محاسبه غرامات تاریخ صدور تا اجرای حکم بر اساس تورم نوعی را درخواست کند. در غیر این صورت با توجه به مأخوذ به خواسته بودن قاضی، این غرامات بلاجبران باقی می‌ماند. چنانچه خواهان مطالبه کردن این غرامات را در دادخواست خود فراموش کند یا به هر دلیل در این باره اقدامی نکند، امکان طرح دعوی مستقل در این خصوص برای او وجود خواهد داشت.

بی‌تردید عنصر زمان در تعیین میزان واقعی خسارت وارده چه در مرحله تعیین و چه در مرحله تأدیه نقش دارد (میرزائزاد جویباری و خشنودی، ۱۴۰۰، ص. ۵۸). به همین سبب، غایت اصلی قانون‌گذار این است که خریدار با توجه به تأثیر شایان توجه عنصر زمان در تعیین مقدار

خسارت^۱، در لحظه وصول در موقعیتی قرار گیرد که با قدرت خرید جبران‌شده، وی بتواند کالایی مشابه آنچه قبلاً خریداری کرده است، ابتیاع کند. به علاوه، آنگاه که فساد بیع کشف شود، عوضین در ید طرفین در چهارچوب غصب قرار دارد و به طبع بایسته است بر مبنای قاعده «الغاصب یؤخذ بالاشق الاحوال» با غاصب به‌ویژه در فرضی که آگاه به بطلان عقد است^۲، به شدیدترین وضع برخورد شود. نپذیرفتن معیار یادشده جهت تعیین مابه‌التفاوت قیمت زمان صدور حکم تا هنگام اجرا تا چه اندازه می‌تواند هدف صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ و مفاد قاعده فقهی یادشده را تأمین کند؟^۳

در واقع، باید «حق بر تعادل»^۴ در همه مراحل به‌عنوان یک بُره یا پدیدار مستقل، توسط عقل در روابط طرفین تأیید شود (خدابخشی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۵۵۶). بنابراین، دادنامه برپایه هر دو قسم تورم موضوعی و نوعی صادر و اجرا می‌شود.

ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی، پرداخت یوم‌الادای دیه^۵، تبصره ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۳ قانون بیمه اجباری خسارات واردشده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵ و تبصره ماده ۱۹ قانون کانون کارشناسان، مصادیقی برای پذیرش واپسین دیدگاه در موضوع این پژوهش است. اضافه می‌شود که قاعده تسبیب که بنا بر آن، از دست دادن قدرت خرید ناشی از فعل عمده فروشنده است و بین فعل ایشان و نتیجه

۱. للأجل قسط من الثمن.

۲. قدر متیقن قاعده فقهی یادشده در حالتی است که «غاصب به معنی حقیقی باشد و موارد مأخوذ به "معامله باطل ضمان آور" را که متصرف، اطلاعی از بطلان آن ندارد، نمی‌توان به سود مالک تفسیر کرد و در موارد تردید، او را بر غاصب مقدم دانست» (خدابخشی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۶).

۳. لحاظ هدف یا اهداف مقنن در جعل حکم همواره مورد توجه فقهای متقدم و متأخر بوده است. «فقها در این امر تردیدی ندارند که برای کشف مراد حقیقی شارع باید از تمام دلایل و قرائنی که در کشف مراد مدخلیت دارند، استفاده نمود و از جمله این قرائن و بلکه از مهم‌ترین آن‌ها، توجه به هدف قانون‌گذار از جعل حکم یا اهداف کلی شارع در وضع احکام است» (الشریف، ۱۴۰۱، ص. ۴۲۵).

۴. اشاره به تئوری موازنه نیز در این خصوص ضروری می‌نماید. در واقع، ضمان مقبوض به عقد فاسد یکی از ضمانات قهری است که جبران خسارت در آن تابع موازنه است. اصول موازنه عبارت‌اند از الف. تملیک در برابر تملیک ب. موازنه ارزش عوضین و ج. تسلیم در برابر تسلیم (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۱، ص. ۹۴).

۵. ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

حاصل رابطه سببیت وجود دارد، این دیدگاه را تقویت می‌کند.

باید به این مهم توجه داشت که از نظر واقع‌گرایان، در مطالعه علم حقوق باید به داده‌های واقعی و عینی مانند داده‌های دعوی و عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نگریست و «علم واقعی حقوق» را با همه موارد مؤثر بر آن شناسایی کرد (بابایی، ۱۳۸۶، ص. ۲۵). از این‌رو اگر دادرس به محیط خارجی قانون بی‌اعتنا بماند، عدالتی را که مورد نظر قانون‌گذار بوده، رعایت نکرده و از هدف او دور افتاده است (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ج ۳، ص. ۱۲۹). پس پذیرش این دیدگاه که با تحولات روز و اجتماع و دگرگونی‌های اقتصادی جامعه همسو است و ارزیابی زیان بر اساس آنکه انطباق بیشتری با واقعیت دارد و خسارت آن‌گونه که وارد شده است، جبران می‌شود، در این راستاست.

کوتاه کلام آنکه، این ضابطه با هدف و اصل بنیادین حقوق مسئولیت مدنی، جبران خسارات به‌صورت کامل^۱ و معنای عرفی جبران خسارت^۲، با نظر به این موضوع که قانون به جهت حفظ نظم و آرامش جامعه به عرف به‌عنوان قدیم‌ترین پدیده حقوق که مظهر و جلوه‌گاه حقوق شناخته می‌شود، احترام می‌گذارد و تخلف از آن را موجب اخلال نظم می‌داند (جبار گلباغی ماسوله، ۱۳۹۹، ص. ۲۵). حسن نیت^۳، کاربست عقل حقوقی، وجه تضمین‌کننده پایبندی طرفین در معاملات و نیز انتفاع ناروای فروشنده^۴ به‌ویژه اگر از مستحق‌الغیر بودن مورد معامله آگاه باشد با مقصود مقنن مبنی بر لحاظ اوضاع و احوال پرونده در تقویم خسارات وارده منطبق است و موانع

۱. هدف از مسئولیت مدنی، اعاده وضعیت زیان‌دیده به حالت قبل از ورود زیان بوده و این وضعیت ناظر به گذشته است، اما هدف از مسئولیت قراردادی و جبران خسارت، قرار گرفتن زیان‌دیده از نظر مالی و اقتصادی در وضعیتی است که در صورت اجرای قرارداد در آن وضعیت قرار می‌گرفت (بهمی، ۱۳۸۶، ص. ۴۵).

۲. فهم عرفی رعایت خواهش همه انسان‌هاست. حقیقت آن است که فهم عرفی را می‌توان با شیوه منصفانه آنچه به خود نمی‌پسندی به دیگران می‌پسند، به دست آورد (جعفری‌تبار، ۱۴۰۱، ص. ۱۹۹).

۳. حسن نیت به این دلیل مطرح می‌شود که قرارداد به‌عنوان دادوستدی است که به‌طور ناقص بیان و تنظیم می‌شود و ناظر به آینده نامعلوم است (انصاری، ۱۳۹۳، ص. ۴۸۳)؛ هرچند اقتضائات حاکم بر دعوی زمینه‌ساز ایجاد قاعده حقوقی است، تفسیر این قواعد که سبب حمایت از شخص دارای سوءنیت باشد، با هیچ نظام حقوقی سازگار نیست.

۴. برخی شرایط اعمال قاعده «استفاده بلاجهت» عبارت است از ۱. دارا شدن، ۲. کاهش دارایی دیگری، ۳. وجود رابطه بین دارا شدن و کاهش دارایی دیگری و ۴. فقدان سبب قانونی یا قراردادی برای دارا شدن. تحقق این شرایط در رابطه با موضوع نوشتار حاضر محرز است.

ظهور ناهمگونی‌های آتی در باب روند ارزیابی و تقویم میزان خسارت خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در پی فرازونشیب‌های فراوان، معیار محاسبه کاهش ارزش ثمن به‌عنوان زیان قابل مطالبه، در نهایت، در رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱ مورخ ۱۴۰۰ با تعیین معیار محاسبه آن به نرخ روز اموالی که از نظر نوع و اوصاف مشابه همان مبیع هستند، مورد پذیرش قرار گرفت. به‌رغم اهمیت صدور رأی وحدت رویه به‌عنوان تحولی مهم جهت حل یکی از معضلات دعاوی حقوقی در رویه قضایی کشور، پاره‌ای ابهامات ازجمله در مورد قابل جبران بودن یا نبودن خسارات در فاصله زمانی صدور رأی قطعی تا اجرای دادنامه با لحاظ هدف رأی باقی است. با وجود سکوت این رأی در رابطه با قابل جبران بودن این خسارات، نباید هدف از صدور رأی مبنی بر جبران قدرت خرید ثمن پرداختی خریدار را نادیده گرفت. به نظر می‌رسد آنچه وافی به مقصود و تأمین‌کننده دادرسی عادلانه است، جدا کردن ملاک‌هایی است که در رابطه با جبران غرامات خریدار بیع فضولی وجود دارد به دو بخش تا صدور رأی و از زمان صدور رأی تا اجرای دادنامه است. در رابطه با مورد اول، تورم موضوعی یعنی جبران قدرت خرید خریدار جهت ابتیاع کالای مشابه مبیع، ملاک ارزیابی قرار می‌گیرد و در رابطه با بازه زمانی صدور رأی تا اجرای دادنامه، معیار تورم نوعی یعنی همان شاخص بانک مرکزی برای جبران قدرت خرید خریدار همسو با رأی وحدت رویه خواهد بود. به هر تقدیر، ضابطه مزبور مانع ظهور ناهمگونی‌های آتی در باب شیوه تعیین میزان خسارت خواهد شد و روند ارزیابی و تقویم آن را هموارتر و شرایط اجرای دادنامه برای اجرای احکام دادگستری را آسان‌تر می‌کند.

منابع

- ۱) الشریف، محمد مهدی (۱۴۰۱). منطق حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۲) انصاری، مهدی (۱۳۹۳). تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها. تهران: جاودانه.
- ۳) بابایی، ایرج (۱۳۸۶). مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق. پژوهش حقوق و سیاست، سال ۹، شماره ۲۳، صص. ۶۰-۱۳.
- ۴) باقری، یوسف و صداقتی، سهام (۱۳۹۳). شاخصه‌های رأی قوی و متقن. مجله قضاوت، سال ۱۴، شماره ۷۹، صص. ۱۴۹-۱۸۰.
- ۵) بهمنی، محمد (۱۳۸۶). مروری بر شیوه‌های خاص ارزیابی خسارت قراردادی با تکیه بر مواد ۷۵ و ۷۶ کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران. تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۸۲-۳۹.
- ۶) پوراستاد، مجید و ایمانیان، اعظم (۱۳۹۰). مالکیت خواهان بر دعوی مدنی. نشریه تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۴، شماره ۱۴، صص. ۷۴-۴۲.
- ۷) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). وسیط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- ۸) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- ۹) جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۱). فلسفه عمومی حقوق. تهران: گنج دانش.
- ۱۰) جعفری، نصرالله و ناصری، پریسا (۱۴۰۳). ارزش روز مبیع در ترازوی سنجش غرامات خریدار و قاعده‌مندسازی رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱. مطالعات حقوقی، دوره ۱۶، شماره ۳، صص. ۱۹۳-۲۱۸. doi: 10.22099/jls.2023.47386.4953
- ۱۱) جعفری تبار، حسن (۱۴۰۱). منطق حیرانی در باب استدلال حقوقی. تهران: نشر نو.
- ۱۲) خدابخشی، عبدالله (۱۳۸۹). الغاصب یؤخذ بأشق الاحوال. فقه اهل بیت، دوره ۱۶، شماره ۶۱، صص. ۱۳۶-۱۰۷.
- ۱۳) خدابخشی، عبدالله (۱۴۰۱). فلسفه حقوق (جلد ۲). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۴) ریاضی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). فن وکالت (محمدحسین زاهدین لباف، مترجم). تهران: شهر دانش.
- ۱۵) شمس، عبدالله (۱۴۰۱ الف). اجرای احکام مدنی (جلدهای ۱ و ۲). تهران: دراک.
- ۱۶) شمس، عبدالله (۱۴۰۱ ب). آیین دادرسی مدنی (جلدهای ۱ و ۲). تهران: دراک.
- ۱۷) صادقیان، مهدیه، ضیاء الاسلامی، علی و صادقی‌راد، مهدی (۱۴۰۳). تحلیل انتقادی مبانی رأی وحدت رویه ۸۱۱ هیئت عمومی دیوان عالی کشور. فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۳، صص. ۲۷۴-۲۵۶. doi: 10.48308/jlr.2024.229734.2379

- (۱۸) عابدیان، میرحسین، اسدزاده، مجتبی و فیروزمند، علی (۱۳۹۲). در تکاپوی عدالت. تهران: میزان.
- (۱۹) غمامی، محمدمهدی (۱۳۹۸). تحول نظام قضایی با تأکید بر کارآمدی فرایند صدور آرای قضایی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۵، صص. ۵۴-۲۹.
- (۲۰) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). اعتبار امر قضاوت‌شده در دعوی مدنی. تهران: میزان.
- (۲۱) کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی (جلد ۱). تهران: گنج دانش.
- (۲۲) کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۰). فلسفه حقوق (جلد ۲). تهران: گنج دانش.
- (۲۳) کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). فلسفه حقوق (جلدهای ۱ و ۳). تهران: گنج دانش.
- (۲۴) کریمی، عباس و جواهرکلام، محمدهادی (۱۳۹۹). تحلیل رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیئت عمومی دیوان عالی کشور با تأکید بر ماهیت پول و تمایز کاهش ارزش پول، خسارت تأخیر تأدیه و خسارت ناشی از افزایش قیمت‌ها. دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، دوره ۲۷، شماره ۱۷، صص. ۲۴-۱. doi: 10.22067/lowecon.2021.47236.0
- (۲۵) گلباغی ماسوله، علی جبار (۱۳۹۹). درآمدی بر عرف. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- (۲۶) محسنی، حسن و میرشکاری، عباس (۱۳۹۴). مطالبه زیان دیرکرد پرداخت دین ناشی از ضمان قهری. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۱، صص. ۱۳۹-۱۵۱. doi: 10.22059/jlq.2016.57528
- (۲۷) محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۴). قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- (۲۸) موسوی، سیدعباس (۱۴۰۲). مهارت‌های دادرسی. تهران: گنج دانش.
- (۲۹) میرزائزاد جویباری، اکبر و خشنودی، رضا (۱۴۰۰). خسارت تأخیر تأدیه در رویه قضایی با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه. تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه.
- (۳۰) میرشکاری، عباس و حسینی، فاطمه‌سادات (۱۳۹۹). امکان‌سنجی مطالبه قیمت افزایش‌یافته مبیع از بایع فضولی با توجه به رویه قضایی. دوفصلنامه حقوق قراردادهای و فناوری‌های نوین، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۲۲۱-۲۵۵. doi: 10.22133/clj.2020.236829.1002
- (۳۱) نهرینی، فریدون (۱۴۰۱). ایستایی اجرای حکم دادگاه، تهران: گنج دانش.

References

- 1) Abedian, Mir Hossein, Asadzadeh, Mojtaba & Firouzmand, Ali (1392 SH/2013). Dar Takāpū-ye 'Adālat [In Pursuit of Justice]. Tehran: Mizan [in Persian].
- 2) Al-sharif, Mohammad Mahdi (1401 SH/2022). Mantīq-e Ḥuqūq [Logic of Law]. Tehran: Enteshar Co. [in Persian].
- 3) Ansari, Mehdi (1393 SH/2014). Taḥlīl-e Iqtisādī-ye Ḥuqūq-e Qarārdādihā [Economic Analysis of Contract Law]. Tehran: Javadaneh [in Persian].
- 4) Babaei, Iraj (1386 SH/2007). Mabānī-ye Naẓarī-ye Rūykard-e Taḥlīl-e Iqtisādī-ye Ḥuqūq [Theoretical Foundations of Economic Analysis of Law Approach]. Pazhuhesh-e Hoquq va Siasat [Law and Politics Research], 9(23), pp. 13-60 [in Persian].
- 5) Bagheri, Yousef & Sedaghati, Saham (1393 SH/2014). Shākhiṣahhā-ye Ra'y-e Qavī va Mutaqan [Characteristics of a Strong and Solid Judgment]. Majalleh Ghezavat [Ghezavat Magazine], 14(79), pp. 149-180 [in Persian].
- 6) Bahmani, Mohammad (1386 SH/2007). Murūri bar Shīvahhā-ye Khāṣṣ-e Arzyābi-ye Khasārat-e Qarārdādī bā Takyah bar Mavādd-e 75 va 76-e Kunvānsiyūn-e Bay'-e Bayn al-Mīlālī-ye Kālā va Ḥuqūq-e Īrān [A Review of Specific Methods for Assessing Contractual Damages Relying on Articles 75 and 76 of the CISG and Iranian Law]. Tahqiqat-e Hoquq-e Tatbiqi-ye Iran va Bayn al-Melal [Iran and International Comparative Law Research], 1(1), pp. 39-82 [in Persian].
- 7) Ghamami, Mohammad Mehdi (1398 SH/2019). Taḥavvul-e Nizām-e Qazāyī bā Ta'kid bar Kāramadī-ye Farāyand-e Šudūr-e Ārāy-e Qazāyī [Evolution of the Judicial System with Emphasis on the Efficiency of the Judgment Issuing Process]. Faslnameh Didgah-haye Hoquq-e Qazaei [Judicial Law Views Quarterly], 24(85), pp. 29-54 [in Persian].
- 8) Golbaghi Masouleh, Ali Jabbar (1399 SH/2020). Darāmadi bar 'Urf [An Introduction to Custom]. Qom: Boustān-e Ketāb Institute [in Persian].
- 9) Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1388 SH/2009). Vasit dar Tirmīnūlūzhī-ye Ḥuqūq [Vasit in Terminology of Law]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
- 10) Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1396 SH/2017). Tirmīnūlūzhī-ye Ḥuqūq [Terminology of Law]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
- 11) Jafari Langroudi, Mohammad Jafar (1401 SH/2022). Falsafah-ye 'Umūmī-ye Ḥuqūq [General Philosophy of Law]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
- 12) Jafari, Nasrallah & Naseri, Parisa (1403 SH/2024). Arziš-e Rūz-e Mabī' dar Tarāzū-ye Sanjish-e Gharāmāt-e Kharīdār va Qā'idahnāmand-sāzi-ye Ra'y-e Vaḥdat-e Ravīyah-ye Shumārah-ye 811 [The Day-Value of the Object of Sale in the Balance of Buyer's Damages Assessment and Systematizing Precedent Judgment No. 811]. Motaleat-e Hoquqi [Legal Studies], 16(3), pp. 193-218. doi: 10.22099/jls.2023.47386.4953 [in Persian].
- 13) Jafaritarabar, Hasan (1401 SH/2022). Mantīq-e Ḥayrānī dar Bāb-e Istidlāl-e Ḥuqūqī [The Logic of Perplexity regarding Legal Reasoning]. Tehran: Nashr-e Naw [in Persian].
- 14) Karimi, Abbas & Jawaherkalam, Mohammad Hadi (1399 SH/2020). Taḥlīl-e

- Ra'y-e Vahdat-e Ravīyah-ye Shumārāh-ye 733-e Hay'at-e 'Umūmī-ye Dīvān-e 'Ālī-ye Kishvar bā Ta'kid bar Māhiyat-e Pūl va Tamāyuz-e Kaṭāhish-e Arziš-e Pūl, Khasārat-e Ta'khīr-e Ta'diyah va Khasārat-e Nāshī az Afzāyish-e Qaymathā [Analysis of Precedent Judgment No. 733 of the General Board of the Supreme Court with Emphasis on the Nature of Money and the Distinction Between Money Depreciation, Delay Damages, and Price Increase Damages]. Doufaslnameh Daneshnameh Hoquq-e Eqtesadi [Economic Law Encyclopedia Biannual], 27(17), pp. 1-24. doi: 10.22067/lowecon.2021.47236.0 [in Persian].
- 15) Katouzian, Nasser (1392 SH/2013). I'tibār-e Amr-e Qazāvat-Shudah dar Da'vī-ye Madanī [Res Judicata in Civil Lawsuits]. Tehran: Mizan [in Persian].
 - 16) Katouzian, Nasser (1399 SH/2020). Mas'ūliyat-e Madanī (Vol. 1) [Civil Liability]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 17) Katouzian, Nasser (1400 SH/2021). Falsafah-ye Hūqūq (Vol. 2) [Philosophy of Law]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 18) Katouzian, Nasser (1401 SH/2022). Falsafah-ye Hūqūq (Vols. 1 & 3) [Philosophy of Law]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 19) Khodabakhshi, Abdollah (1389 SH/2010). al-Ghāṣib Yu'khazu bi-Ashadd al-Aḥvāl [The Usurper is Held to the Severest Conditions]. Feqh-e Ahl-e Bayt [Ahl al-Bayt Jurisprudence], 16(61), pp. 107-136 [in Persian].
 - 20) Khodabakhshi, Abdollah (1401 SH/2022). Falsafah-ye Hūqūq (Vol. 2) [Philosophy of Law]. Tehran: Enteshar Co. [in Persian].
 - 21) Mirshekari, Abbas & Hosseini, Fatemeh Sadat (1399 SH/2020). Imkānsanjī-ye Muṭālahah-ye Qaymat-e Afzāyish-Yāftah-ye Mabī' az Bāyi'-e Fuṣūlī bā Tavajjuh bih Ravīyah-ye Qazāyī [Feasibility of Claiming the Increased Price of the Object of Sale from the Unauthorized Seller Considering Judicial Practice]. Doufaslnameh Hoquq-e Qarardad-ha va Fannari-haye Navin [Contracts Law and New Technologies Biannual], 1(1), pp. 221-255. doi: 10.22133/clj.2020.236829.1002 [in Persian].
 - 22) Mirzanazhad Jouybari, Akbar & Khoshnoudi, Reza (1400 SH/2021). Khasārat-e Ta'khīr-e Ta'diyah dar Ravīyah-ye Qazāyī bā Muṭāla'ah-ye Taṭbīqī-ye Hūqūq-e Farānsah [Delay Damages in Judicial Practice with a Comparative Study of French Law]. Tehran: Judiciary Research Institute [in Persian].
 - 23) Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa (1394 SH/2015). Qavā'id-e Feqh [Rules of Jurisprudence]. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center [in Persian].
 - 24) Mohseni, Hasan & Mirshekari, Abbas (1394 SH/2015). Muṭālahah-ye Zīyān-e Dīrkard-e Pardākht-e Dayn-e Nāshī az Žimān-e Qahrī [Claiming Damages for Delayed Payment of Debt Arising from Tortious Liability]. Faslnameh Motaleat-e Hoquq-e Khosousi [Private Law Studies Quarterly], 46(1), pp. 139-151. doi: 10.22059/jlq.2016.57528 [in Persian].
 - 25) Mousavi, Seyyed Abbas (1402 SH/2023). Mahārathā-ye Dādrasī [Adjudication Skills]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 26) Nahreini, Fereydoun (1401 SH/2022). Īstāyī-ye Ijrā-ye Hukm-e Dādghāh [Stagnation of Court Judgment Execution]. Tehran: Ganj-e Danesh [in Persian].
 - 27) Pourostad, Majid & Imanian, A'zam (1390 SH/2011). Mālīkiyat-e Khvāhān bar

- Da'vī-ye Madanī [Plaintiff's Ownership of Civil Lawsuit]. Nashriyeh Tahqiqat-e Hoquq-e Bayn al-Melali [International Legal Research Journal], 14(14), pp. 42-74 [in Persian].
- 28) Riyahi, Ali Akbar (1400 SH/2021). Fan-ne Vikālat [The Art of Advocacy] (M. H. Zahedin Labbaf, Trans.). Tehran: Shahr-e Danesh [in Persian].
- 29) Sadeghian, Mahdiah, Ziaoleslami, Ali & Sadeghirad, Mehdi (1403 SH/2024). Tahlīl-e Intiqādī-ye Mabānī-ye Ra'y-e Vaḥdat-e Ravīyah-ye 811-e Hay'at-e 'Umūmī-ye Dīvān-e 'Ālī-ye Kishvar [Critical Analysis of the Foundations of Precedent Judgment No. 811 of the General Board of the Supreme Court]. Faslnameh Tahqiqat-e Hoquqi [Legal Research Quarterly], 27(3), pp. 256-274. doi: 10.48308/jlr.2024.229734.2379 [in Persian].
- 30) Shams, Abdollah (1401 SH/2022, a). Ijrā-ye Ahkām-e Madanī (Vols. 1 & 2) [Execution of Civil Judgments]. Tehran: Darak [in Persian].
- 31) Shams, Abdollah (1401 SH/2022, b). Āyīn-e Dādrasī-ye Madanī (Vols. 1 & 2) [Civil Procedure Code]. Tehran: Darak [in Persian].

